



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۰، ش ۶ (پیاپی ۵۴)، بهمن و اسفند ۱۳۹۸، صص ۱۱۳-۱۲۸

روش‌های اصلی اصطلاح‌سازی زبان فارسی

در آینه زبان روسی

سونیاسادات محمودیان^۱، هادی بهارلو^{۲*}، آبتین گلکار^۳، میریلا احمدی^۴

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. استادیار آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشیار ادبیات زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۰

دریافت: ۹۷/۱۱/۰۸

چکیده

پژوهش‌های ساخت‌وازی اصطلاحات طی چند دهه اخیر با توجه به نقش عمده نتایج آن‌ها در مواردی همچون ترجمه اصطلاحات و متون فنی اهمیت زیادی یافته‌اند. برای انجام این قبیل پژوهش‌ها وجود یک نظام مرجع دسته‌بندی روش‌های ساخت، ضروری است. در زبان روسی پژوهشگران مختلفی به بررسی این روش‌ها پرداخته‌اند. ماحصل آن دستیابی به نظامی یکپارچه است که بیشتر اصطلاح‌شناسان در آن توافق کرده‌اند. در زبان فارسی نیز فرهنگستان زبان و ادب فارسی دسته‌بندی کلی از روش‌های اصطلاح‌سازی ارائه کرده است که تفاوت‌هایی با زبان روسی دارد. در این کار پژوهشی قصد داریم با تکیه بر نظام دسته‌بندی روش‌های اصطلاح‌سازی در روسی نظام مشابهی را برای زبان فارسی ارائه کنیم. از نظام دسته‌بندی حاصل می‌توان هم در پژوهش‌های تطبیقی زبان‌های روسی و فارسی و هم در مطالعات تک‌زبان فارسی و تکمیل دسته‌بندی ارائه‌شده از سوی فرهنگستان بهره جست.

واژه‌های کلیدی: علم اصطلاح‌شناسی، واژه‌سازی، اصطلاح‌سازی، زبان فارسی، زبان روسی.

۱. مقدمه

اصطلاح‌شناسی به‌عنوان بخشی از علم زبان‌شناسی - که به مطالعهٔ واژگان تخصصی از لحاظ نوع، پیدایش، شکل و محتوا (معنی) و عملکرد می‌پردازد - دارای یک ویژگی خاص و متمایزکننده است. مبانی آن از سوی پژوهشگران علوم غیر از زبان‌شناسی، از جمله علوم طبیعی و مهندسی پایه‌گذاری شده است. پیدایش علمی که به بررسی اصطلاحات مورد استفاده در یک زمینهٔ خاص می‌پردازد، به قرن ۱۸ و پژوهشگرانی از جمله آنتوان لوران لاووازیه^۱ و کلود لویی برتوله^۲ در حوزهٔ شیمی و کارل فون لینه^۳ در گیاه‌شناسی بر می‌گردد. این دانشمندان که به اهمیت کاربردی اصطلاحات برای انتقال مفاهیم مورد نظر خود پی برده بودند، به بررسی ویژگی‌های مجموعه‌های واژگانی حوزه‌های مورد نظر خود پرداختند. روند تکمیل علم اصطلاح‌شناسی - که در قرن ۱۸ و ۱۹ با متخصصان علوم پایه آغاز شده بود - در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به حوزه‌های دیگر علم نیز گسترش یافت و توجه مهندسانی از جمله یوگن ووستر^۴ در اتریش و دمیتری سمینوویچ لوته^۵ (1931) در اتحاد جماهیر شوروی را به خود جلب کرد. تنها در دهه‌های اولیهٔ قرن ۲۰ بود که زبان‌شناسان به انجام امور پژوهشی جدی در این حوزه پرداختند و علم اصطلاح‌شناسی وارد زیرمجموعه‌های زبان‌شناسی شد.

در اواسط قرن بیستم در نتیجهٔ توسعهٔ علوم و فناوری‌های مختلف و ایجاد ضرورت نامیدن مفاهیم جدید و همچنین، ضرورت استفاده از اصطلاحات واحد برای درک متقابل بهتر متخصصان، تعداد پژوهش‌ها در حوزهٔ اصطلاحات افزایش پیدا کرد و حتی به پیدایش مکاتب زبان‌شناسی در این حوزه از جمله مکتب اصطلاح‌شناسی وین، مسکو و پراگ انجامید.

مکتب اصطلاح‌شناسی وین بر مبنای آثار ووستر شکل گرفت. وی در سال ۱۹۳۱ در رسالهٔ دکتری خود با عنوان *معیارسازی بین‌المللی گفتار فنی با تکیه بر متون الکترونیک* مبانی علم اصطلاحات را پایه‌گذاری کرد (Шукурова, 2014: 7). مکتب وین از مثلث معنایی آگدن و ریچاردز^۶ تأثیر گرفته است و مهم‌ترین اصل آن در اصطلاح‌شناسی، شروع از حوزهٔ مفاهیم ختم شدن آن به ایجاد اصطلاح خلاصه می‌شود. بنابراین، مرز روشن و شفافی بین مفاهیم وجود دارد و مفاهیم با استفاده از تعاریف به اصطلاحات مربوط می‌شوند (سمائی، ۱۳۸۳: ۹۷). مکتب مسکو تقریباً هم‌زمان با مکتب وین شکل گرفت. سرآغاز فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی

به‌عنوان یک علم مستقل در روسیه با مقاله لوته (1931) با عنوان «مسائل مربوط به اصطلاحات علمی و فنی» در خصوص یکسان‌سازی و استانداردسازی اصطلاحات فنی در ارتباط است. لوته - که بنیان‌گذار مکتب اصطلاح‌شناسی روسیه شناخته می‌شود - در مطالعات خود بیشتر روی مسائل استانداردسازی اصطلاحات، ساخت اصطلاحات، گرده‌برداری اصطلاحات و مسائل مربوط به ترجمه اصطلاحات علمی فنی متمرکز بود و به تبع آن به جنبهٔ روساختی اصطلاحات در مکتب مسکو بیشتر از مکتب وین توجه می‌شده است (Хакимова, 2012: 950).

در مکتب اصطلاح‌شناسی پراگ تأکید بر مداخلهٔ آگاهانه در کاربرد زبان تخصصی است. هدف اصلی مکتب پراگ، توصیف ساختاری و کاربردی زبان تخصصی است که اصطلاحات نقش عمده‌ای در آن دارند. زبان تخصصی در این مکتب نوعی «سبک حرفه‌ای» تلقی می‌شود که در کنار سبک‌های دیگر، نظیر سبک ادبی و روزنامه‌ای و محاوره‌ای قرار می‌گیرد. در واقع، اصطلاح واحدی نقشی محسوب می‌شود که سبکی حرفه‌ای را می‌سازد و وظیفهٔ برقراری ارتباط را در حوزهٔ تخصصی ایفا می‌کند (سمائی، ۱۳۸۳: ۹۸ - ۹۹).

علاوه بر سه مکتب یادشده و به‌دنبال گسترش رویکرد شناختی در پژوهش‌های زبان‌شناختی، مکتبی به نام مکتب اصطلاح‌شناسی شناختی نیز ظهور کرده است. مکتب اصطلاح‌شناسی شناختی خلاف مکاتب ذکرشده، به‌جای تمرکز روی ویژگی نظام‌مند بودن مجموعه‌های واژگانی که در ویژگی‌های صرفی، نحوی و واژه‌ساختی زبان‌های تخصصی تجلی می‌یابد، بیشتر بر نقش اصطلاحات در بیان مفاهیم و نظام مفهومی زبان‌های تخصصی متمرکز است.

آنچه در تمامی مکاتب و به‌ویژه مکتب پراگ مورد توافق تمامی پژوهشگران قرار دارد این موضوع است که با شکل‌گیری و توسعهٔ هر حوزهٔ کاربردی در هر جامعه‌ای، زیرمجموعهٔ خاصی از نظام زبانی معیار برای رفع نیاز ارتباطی کاربران آن حوزه ایجاد می‌شود که اصطلاحاً با عنوان زبان تخصصی شناخته می‌شود. زبان‌های تخصصی معمولاً در چارچوب زبان معیار شکل می‌گیرند و از قوانین زبان‌شناختی (صرفی، نحوی، واژگانی، اصطلاح‌سازی) زبان معیار تبعیت می‌کنند؛ اما از بین قوانین و الزامات زبان معیار، مواردی را بر می‌گزینند که بیشتر و بهتر می‌توانند الزامات آن‌ها را برآورده کنند. بنابراین، می‌توان گفت که زبان‌های تخصصی از نظر ویژگی‌های زبان‌شناسی دارای الزامات خاص خود هستند.

از جنبه صرفی، ویژگی خاص زبان‌های تخصصی معمولاً به اولویت دادن به اقسام کلام مختلف در ساختن اصطلاحات مربوط می‌شود. زبان‌شناسان در مورد این مسئله که کدام یک از اقسام کلام می‌توانند یا نمی‌توانند در نقش اصطلاح استفاده شوند، هنوز به توافق نرسیده‌اند. پاسخ به این پرسش را که کدام یک از اقسام کلام می‌توانند به‌عنوان اصطلاح استفاده شوند شاید بتوان از بررسی نقش کارکردی اصطلاحات، یعنی نامیدن مفاهیم جست‌وجو کرد. طبیعی است که برای برخی از اقسام کلام مانند اسامی که نقش یادشده ذاتاً برای آن‌ها تعریف شده است، تبدیل شدن به اصطلاح کاملاً محتمل و ممکن است. برای برخی دیگر مانند حروف اضافه - که بیشتر نقش ربطی ایفا می‌کنند - تبدیل شدن به اصطلاح سخت‌تر و خاص‌تر به نظر می‌رسد؛ ولی به‌طور کلی در درجه اول اسامی و در مراحل بعدی صفات، قیود و افعال با توجه به توانایی خود در بیان مفاهیم کاربرد بیشتری در ساخت اصطلاحات دارند؛ اما مجموعه‌های واژگانی با توجه به الزامات موضوعی نهفته در زیرمجموعه آن‌ها معمولاً در اولویت دادن به اقسام مختلف کلام برای ساخت اصطلاحات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

از جمله ویژگی‌های خاص زبان‌های تخصصی به لحاظ نحوی می‌توان به وجود ساختارهای نحوی پربسامد در جمله‌ها اشاره کرد. برای مثال، در زبان فارسی در متون علمی جمله‌های توضیحی و در متون ریاضی جمله‌های امری موجز کاربرد بیشتری دارند (میرزایی حصاریان، ۱۳۹۵: ۵۲).

از جنبه واژگانی، وجه تمایز زبان‌های تخصصی از زبان معیار و از یکدیگر، اصطلاحات هستند. در مورد اصطلاح، تعریف و دسته‌بندی آن، پژوهش‌های پرشماری در حوزه‌های مختلف در زبان‌های گوناگون انجام شده است؛ اما هنوز بین اصطلاح‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد.

در بین شاخه‌های زبان‌شناسی، حوزه‌ای که به نوعی با تمام موارد ذکرشده ارتباط دارد، حوزه واژه‌سازی است. اینکه زبان‌های تخصصی به کدام یک از روش‌های واژه‌سازی اولویت می‌دهند، یکی از ویژگی‌های متمایزکننده این زبان‌ها و موضوع پژوهش‌های بسیار در این حوزه بوده است. پژوهش‌های مختلف انجام‌شده روی حوزه‌های مختلف علمی نشان‌دهنده آن است که در هر یک از این حوزه‌ها برای ساخت اصطلاحات به برخی از روش‌های ساختی اولویت داده می‌شود. ویژگی‌های زبان‌های تخصصی از دید واژه‌ساختی در زبان روسی در کارهای

پژوهشی مختلفی بررسی شده‌اند و ماحصل پژوهش‌های چند دهه در این حوزه، تکمیل مبانی نظری آن بوده است، به طوری که از تلفیق علم اصطلاح‌شناسی و علم واژه‌سازی، زیرمجموعه‌ای با نام «اصطلاح‌سازی»^۷ به وجود آمده است که به بررسی ویژگی‌های ساخت‌واژی اصطلاحات می‌پردازد. از دیگر شواهد بارز این تکامل، دسته‌بندی کامل و بسیار دقیقی است که از روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان روسی ارائه شده است.

در این کار پژوهشی قصد داریم، ضمن بررسی روش‌های اصلی اصطلاح‌سازی و دسته‌بندی‌های آن‌ها در زبان روسی و با توجه به ابهامات موجود در زبان فارسی در زمینه دسته‌بندی روش‌های اصطلاح‌سازی، به تطبیق این روش‌ها در دو زبان ذکر شده بپردازیم و دسته‌بندی جدیدی برای اصطلاح‌سازی در زبان فارسی بر پایه زبان روسی ارائه دهیم.

۲. پیشینه موضوع

علم اصطلاح‌شناسی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای مستقل از زبان‌شناسی، چند دهه‌ای است که مورد توجه زبان‌شناسان در روسیه بوده است. واحد اصلی مورد بررسی این علم، یعنی زبان‌های تخصصی و ویژگی‌های زبان‌شناختی آن‌ها موضوع پژوهش‌های بسیاری در روسیه بوده‌اند که هم از جنبه نظری به وضع الزامات مربوط به این بررسی‌ها پرداخته‌اند و هم از جنبه عملی ویژگی‌های زبان‌شناختی زبان‌های تخصصی مختلف را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. یکی از مسائل مهم در علم اصطلاح‌شناسی، بررسی ویژگی‌های ساخت‌واژی اصطلاحات است. از مهم‌ترین اصطلاح‌شناس‌هایی که انواع روش‌های ساخت اصطلاحات را مطالعه کرده‌اند، می‌توان به ولادیمیر مائیسویچ لیچیک^۸ (1989)، والریا پتروونا دانیلینکو^۹ (1989)، سرگی ویکتورویچ گرینویچ^{۱۰} (2008) و غیره اشاره کرد.

در مقایسه، زبان فارسی در پرداختن به زبان‌های تخصصی طی چند دهه اخیر بیشتر بر جنبه عملی تأکید داشته که عموماً در قالب فعالیت‌های فرهنگستان برای معادل‌یابی اصطلاحات حوزه‌های مختلف علمی و فنی نمود داشته است. کتاب‌ها و مقالاتی نیز در خصوص روش‌های واژه‌سازی و اصطلاح‌سازی نگاشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های *واژه‌سازی و فرهنگ‌نگاری در زبان فارسی* (و ثوقی، ۱۳۸۳)، *لغت‌سازی و وضع و ترجمه*

اصطلاحات علمی وفنی (فرشیدورد، ۱۳۸۰)، **شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی** (مجد، ۱۳۸۴) و مقاله «ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه‌سازی» (سمیعی، ۱۳۷۹) اشاره کرد. طرحی پژوهشی با عنوان «الگوی واژه‌سازی در زبان فارسی» (سامعی، ۱۳۷۶) همچنین، سلسله مقالاتی با عنوان «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان معاصر» (صادقی، ۱۳۷۱)، «مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی» (کافی، ۱۳۷۴)، «سیر تطور در نظریه‌های اصطلاح‌شناسی: از تحول واژگانی در نظریه عمومی تا دگرذیسی واحدهای اصطلاح‌شناختی قالب‌بنیان» (شیری، ۱۳۹۷) نیز از دیگر پژوهش‌های علمی انجام‌شده در زبان فارسی هستند. در حوزه مسائل نظری، بارزترین و پرجا‌ترین پژوهش انجام‌شده را می‌توان کتابچه **اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان** دانست که در آن زبان علم و ویژگی‌های آن از نظر روش‌های واژه‌گزینی و معادل‌یابی بررسی شده‌اند. البته، در این بین پژوهش‌های تطبیقی محدودی نیز بین زبان‌های روسی و فارسی انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به مقاله «نگاهی به فرایند واژه‌گزینی اصطلاحات پایه‌ای راداری زبان روسی به زبان فارسی» اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۷).

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زبان فارسی حاکی از آن است که کمبودهایی در پیش‌زمینه‌های نظری برای بررسی و تحلیل زبان‌شناسی زبان‌های تخصصی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد با بهره‌گیری از رویکردهای ارائه‌شده در مکاتبی همچون مکتب اصطلاح‌شناسی مسکو می‌توان تا حد زیادی به تکامل آن‌ها کمک کرد. نتایج این مقاله می‌تواند در تکمیل مطالب نظری در این حوزه استفاده شود.

از سوی دیگر، تفاوت‌های موجود در حوزه تعاریف و دسته‌بندی‌های اصطلاحات و روش‌های ساخت آن‌ها بین زبان‌های روسی و فارسی، انجام پژوهش‌های رو به گسترش تطبیقی در زمینه مقایسه مجموعه‌های واژگانی مختلف، این دو زبان را مشکل می‌کند. برای رفع این مشکل وجود مرجعی واحد برای تعریف و دسته‌بندی اصطلاحات ضروری به‌نظر می‌رسد. در ادامه این کار پژوهشی، قصد داریم با مقایسه دسته‌بندی‌های موجود در زمینه ساخت اصطلاحات در زبان‌های یادشده، نظام مرجعی برای مقایسه تطبیقی مجموعه‌های واژگانی ارائه کنیم.

۳. اصطلاح‌سازی، واژه‌سازی و واژه‌گزینی

پیش از مقایسه روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان‌های فارسی و روسی لازم است به بررسی چند کلمه‌ای که به دلیل قرابت معنایی معمولاً به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، بپردازیم: واژه‌سازی^{۱۱}، واژه‌گزینی^{۱۲} و اصطلاح‌سازی.

قنات‌آبادی در توضیح وجه تمایز این کلمات می‌نویسد:

مرز نادقیق و تعریف‌نشده میان واژه‌سازی و واژه‌گزینی برای برخی از اهل فن و کاربرد لفظ واژه‌سازی به جای واژه‌گزینی در برخی مقالات و متون علمی گاه این تصور را پیش می‌آورد که تمایزی میان این دو فرایند وجود ندارد و واژه‌گزینی و واژه‌سازی مترادف هم هستند که بر حسب سلیقه می‌توان یکی را برای نامیدن فرایند معادل‌گذاری واژه‌های بیگانه یا مفاهیم نوظهور در یک زبان به کار برد. حتی جدا از تعبیر یکسان واژه‌سازی و واژه‌گزینی تعبیر گوناگون دیگری هم از واژه‌سازی به چشم می‌خورد. گاهی واژه‌سازی با نوواژه‌سازی هم‌معنا تلقی می‌شود و گاهی فقط در مفهوم یکی از روش‌های نوواژه‌سازی، یعنی ترکیب و اشتقاق به کار می‌رود. البته، معمولاً این عدم تمایز از اختلاف نظر اهل علم در تفکیک واژه و اصطلاح از یکدیگر نشئت می‌گیرد (قنات‌آبادی، ۱۳۹۱: ۶۵۸).

در کتابچه *اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*، واژه‌گزینی عبارت است از فرایندی که طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه‌ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود و واژه‌سازی یکی از شیوه‌های واژه‌گزینی به‌شمار می‌آید که شامل ساختن یک واژه جدید مشتق یا مرکب یا مشتق - مرکب می‌شود (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۹).

بر اساس آنچه در موارد ذکر شده بیان شد، می‌توان گفت واژه‌گزینی فرایندی طولانی‌تر از واژه‌سازی است. واژه‌گزینی از مرحله پیدایش یک مفهوم فاقد صورت ظاهری (یا دارای صورت معنایی نامناسب)، ایجاد نیاز به نامیدن مفهوم مورد نظر، ایجاد یک واحد برای نامیدن آن مفهوم و جا افتادن آن واحد در بین کاربران را در بر می‌گیرد؛ اما واژه‌سازی تنها به مرحله دوم این فرایند گفته می‌شود.

همان‌طور که در علم اصطلاح‌شناسی روسی نیز ذکر شده است، ساخت کلمات عمومی زبان و ساخت اصطلاحات زبان‌های تخصصی ماهیت متفاوتی با یکدیگر دارند. زیرمجموعه‌ای

از زبان‌شناسی که به بررسی ساخت کلمات عمومی اختصاص دارد، واژه‌سازی و زیرمجموعه‌ای که به بررسی ساخت کلمات تخصصی می‌پردازد «اصطلاح‌سازی» نامیده شده‌اند؛ اما در زبان فارسی واژه‌سازی به زیرمجموعه‌ای از زبان‌شناسی گفته می‌شود که ساخت کلمات عمومی در زبان را بررسی می‌کند. بنابراین، استفاده از همین اصطلاح برای شاخه‌ای که به ساخت اصطلاحات می‌پردازد، نمی‌تواند ماهیت مجزا از هم آن‌ها را بیان کند. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود برای علم بررسی ساخت اصطلاحات در زبان فارسی به‌جای واژه‌سازی از کلمه اصطلاح‌سازی استفاده شود.

در زبان‌شناسی روسی، واژه‌سازی و اصطلاح‌سازی به‌عنوان دو علم کاملاً مستقل از هم شناخته می‌شوند. دانیلینکو در مورد ماهیت متفاوت این دو علم دلایل ۱ - ۵ را ارائه می‌دهد:

۱. کلمات عمومی به‌طور کلی بر اساس نیاز به ارتباط اجتماعی به‌وجود آمده‌اند و سازنده آن‌ها می‌تواند هر فردی باشد که به آن زبان سخن می‌گوید؛ اما اصطلاحات برای نامیدن مفاهیمی که با حوزه تخصصی و حرفه‌ای در ارتباط هستند، به‌عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط گروه خاصی از متخصصان ساخته شده‌اند.

۲. ساخت اصطلاح همیشه روندی آگاهانه است. به بیانی دیگر، می‌توان گفت اصطلاحات پدیدار نمی‌شوند؛ بلکه با توجه به ضرورت ایجاد می‌شوند و بنابراین، معمولاً سرچشمه ایجاد اصطلاحات و سازندگان آن‌ها مشخص هستند.

۳. ساخت اصطلاح تا حدودی پیچیده‌تر از فرایند مشابه برای کلمه است.

۴. اصطلاحات باید به گونه‌ای ساخته شوند که از ظاهر آن‌ها بتوان تا حدودی به معنای درونی آن‌ها پی برد. در صورتی که در مورد کلمات در علم واژه‌شناسی معمولاً لزومی به وجود رابطه بین صورت و معنی وجود ندارد.

۵. فرایند اصطلاح‌سازی وابستگی زیادی به طبقه‌بندی مفاهیم دارد. ساخت اصطلاحات تا حد زیادی وابسته به حوزه‌ای است که اصطلاح در آن استفاده می‌شود. در هر حوزه، اصطلاحات بر اساس مدل‌های اصطلاح‌سازی خاص ایجاد می‌شوند، برای نمونه، در یک حوزه ممکن است اصطلاحات بیشتر به‌صورت تک‌کلمه‌ای و در یک حوزه دیگر بیشتر به صورت گروه‌واژه باشند (Даниленко, 1997: 95).

اصطلاح‌سازی مجموعه‌ای از روش‌های ساخت اصطلاحات است که به کمک آن واحدهای

واژگانی زبان تخصصی معینی ساخته می‌شوند. اصطلاح‌شناس روس، ویکتور آندریویچ تاتارینوف^{۱۳} در این خصوص می‌نویسد: «اصطلاحات به‌عنوان ابزار نامیدن مفاهیم، اشیاء، پدیده‌ها یا به‌عنوان ابزار تثبیت دانش به‌دست آمده ایجاد می‌شوند» (Татаринов, 1996: 241).

۴. روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان فارسی

زبان‌شناسان ایرانی در دوره‌های زمانی مختلف روش‌های گوناگونی برای اصطلاح‌سازی و واژه‌گزینی در زبان فارسی پیشنهاد کرده‌اند؛ از جمله معتبرترین این موارد می‌توان به چهار روش پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی اشاره کرد که در ادامه به‌طور خلاصه بررسی می‌شود.

طبق دسته‌بندی ارائه‌شده از سوی فرهنگستان روش‌های واژه‌گزینی در زبان فارسی به چهار دسته برگزینش، نوگزینش، ساخت اصطلاح و وام‌گیری تقسیم می‌شود.

۱) **برگزینش** عبارت است از انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژه‌ها و عبارت‌های موجود در زبان. در این روش واژه‌گزین با جست‌وجو در گنجینه لغوی کم‌کاربردتر یا منسوخ زبان، برای مفهوم مورد نظر معادلی پیدا می‌کند؛ از جمله نمونه‌های این روش در حوزه‌های مختلف علوم می‌توان به «نبض» به‌عنوان معادل pulse اشاره کرد.

۲) **نوگزینش**: در واقع، گسترش معنایی^{۱۴} آگاهانه است. انتخاب یک واژه موجود در زبان و دادن مفهومی جدید به آن، به‌طوری که با مفهوم اولیه بی‌ارتباط نباشد؛ برای مثال، واژه‌های «یخچال» و «سپر» اکنون علاوه بر معنای قدیم خود معنای جدیدی نیز پذیرفته‌اند.

۳) **ساختن اصطلاح**: ساختن اصطلاح به سه شیوه که در ادامه ذکر می‌کنیم انجام می‌گیرد:
 ۳-۱. **واژه‌سازی**: واژه‌سازی فرایندی است که به دستگاه صرف زبان مربوط می‌شود. در فارسی واژه‌سازی به دو روش صورت می‌گیرد: اشتقاق و ترکیب. **اشتقاق** عبارت است از ساختن یک واژه جدید از طریق وندافزایی، مانند «هنرمند» که با افزودن پسوند «-مند» به اسم «هنر» ساخته شده است. ترکیب عبارت است از به هم پیوستن دست‌کم دو واژه و ساخته شدن یک واژه مرکب، مانند «دندان‌پزشک».

۳ - ۲. ساختن گروه نحوی: گروه نحوی عبارت است از یک یا چند واژه که با عناصر نحوی، مانند کسره اضافه و حروف اضافه به هم پیوند یافته باشند، مانند «کتاب تاریخ» و «قمر مصنوعی». غالب گروه‌های نحوی که در فارسی برای ساختن اصطلاح به‌کار می‌روند دارای یکی از ساختارهای زیر هستند: مضاف - مضاف‌الیه: کشتی بخار، آب ژاول؛ موصوف - صفت: فاصله کانونی، قهوه فوری؛ گروه حرف اضافه‌دار: پردازش از دور، پرواز بادید.

۳ - ۳. اختصارسازی: این روش عبارت است از به‌کار بردن صورت کوتاه‌شده یک واژه یا گروه نحوی که خود می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد؛ از جمله اختصار تک حرفی (مانند «ص» به‌جای صفحه)، اختصار چند حرفی (مانند ک. م. م: کوچک‌ترین مضرب مشترک)، ترخیم (مانند «از» به‌جای آزمایشگاه)، فشرده‌سازی (مانند «تخ» به‌جای تاریخ)، آمیزه‌سازی (نحت) (مانند: توانیر «تولید و انتقال نیرو») و سرواژه‌سازی (مانند ساصد «سازمان صنایع دفاع»).

۴) وام‌گیری: اخذ یک واژه از زبان‌های بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد. وام‌گیری عمدتاً برای واحدهای اندازه‌گیری و اسامی شیمیایی و نام داروها و مانند آن‌ها و همچنین، واژه‌هایی که برای آن‌ها نتوان در زبان فارسی معادل مناسبی پیدا کرد (اصول و ضوابط واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۳۶ - ۴۰).

بررسی روش‌های پیشنهادی فرهنگستان نشان‌دهنده آن است که معیار مورد استفاده در دسته‌بندی روش‌ها، نوع فعالیتی (گزینش یا انتخاب واژه) است که واژه‌گزین انجام می‌دهد. انتخاب، ساخت، افزایش بار معنایی کلمه و غیره. به‌نظر می‌رسد با ایجاد تغییراتی مختصر در دسته‌بندی یادشده می‌توان به کارآمد کردن آن کمک کرد؛ از جمله موارد مورد بحث در این دسته‌بندی می‌توان به عدم تطابق صورت ظاهری و مفهوم کلماتی که برای نام بردن روش‌ها انتخاب شده‌اند، اشاره کرد. برای مثال، استفاده از اصطلاح نوگزینش (که بیشتر گزینش یک کلمه جدید را متبادر می‌کند) برای گسترش معنایی و استفاده از اصطلاح برگزینش (که بیشتر گزینش از کلمات موجود در زبان را متبادر می‌کند) برای فعال‌سازی دوباره کلمات کم‌کاربرد یا منسوخ، در زبان چندان منطقی به‌نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، برخی از روش‌های اختصارسازی که در اصول و ضوابط واژه‌گزینی به‌عنوان روش واژه‌سازی ارائه شده‌اند (از جمله اختصارسازی تک‌حرفی، ترخیم و فشرده‌سازی)، مواردی هستند برای ساخت کلمات جدید استفاده نمی‌شوند و در حوزه واژه‌سازی قرار نمی‌گیرند و فقط برای کوتاه‌نویسی کاربرد دارند.

۵. روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان روسی

در زبان روسی طی سال‌های گذشته دسته‌بندی‌های مختلفی برای انواع روش‌های ساخت واژگان و اصطلاحات ارائه شده است. برای مثال، دانیلینکو انواع روش‌ها را به سه دسته اصلی معنایی، نحوی (واژگانی - نحوی، صرفی - نحوی) و صرفی (وندسازی و ترکیب پایه‌ها) تقسیم می‌کند. گرینیف گرینیویچ به‌طور جزئی‌تر به تقسیم‌بندی روش‌های اصطلاح‌سازی می‌پردازد و آن‌ها را به ۴ دسته اصلی تقسیم می‌کند: ۱. روش معنایی ساخت اصطلاح: اصطلاح‌شدگی مفاهیم عمومی کلمه (فرایند تبدیل کلمات عمومی زبان به اصطلاح)، گسترش معنایی کلمه عمومی، تخصصی کردن مفهوم کلمه عمومی، گرده‌برداری بین دو نظام، گرده‌برداری واژگان خارجی و اجزای سازنده آن‌ها، استعاره مفهوم کلمه عمومی و مجاز مفهوم کلمه عمومی؛ ۲. روش صرفی: ساخت اصطلاح با پیشوند، پسوند، ترکیب پیشوند و پسوند، انتقال^{۱۵}، صرفی - آوایی و ترخیم^{۱۶}؛ ۳. نحوی - صرفی: ترکیب پایه، حذف^{۱۷}، اختصارسازی و ۴. روش نحوی (Гринев-Гриневиц, 2008: 123).

با مطالعه دسته‌بندی‌های مختلف روش‌های اصطلاح‌سازی، می‌توان دسته‌بندی جامعی را - که در ادامه درباره آن توضیح داده می‌شود - به‌عنوان مرجع در نظر گرفت. نکته بارز در دسته‌بندی روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان روسی این است که معیار این دسته‌بندی بررسی پایه زبان‌شناختی فعالیتی است که برای واژه‌گزینی انجام می‌شود. اینکه فعالیت از نوع صرفی، نحوی، وام‌گیری و ... است. در این دسته‌بندی به دو سطح واژه‌سازی توجه شده است: روش‌های اصطلاح‌سازی و ابزاری که در هر یک از این روش‌ها برای ساخت اصطلاح استفاده می‌شود. مشخص است که روش اصطلاح‌سازی دسته‌بندی عمومی‌تری است که به ماهیت کلی آنچه برای ساخت واژه استفاده می‌شود، اشاره می‌کند و ابزار واژه‌سازی واحدی از زبان یا زیرمجموعه‌ای از آن روش به صورت جزئی‌تر است که برای ساخت اصطلاح استفاده می‌شود. برای نمونه، در روش صرفی از تک‌واژه‌هایی همچون پیشوند، پسوند و ... به‌عنوان ابزار واژه‌سازی استفاده می‌شود. بر این اساس در ادامه به جمع‌بندی انواع روش‌های اصطلاح‌سازی و ابزار مورد استفاده در هر یک از آن‌ها، در زبان روسی می‌پردازیم.

(۱) روش صرفی اصطلاح‌سازی: در این روش، اصطلاحات جدید با اضافه شدن تک‌واژه‌های

مختلف به ریشه کلمه به وجود می‌آیند. ابزار واژه‌سازی در این روش می‌تواند شامل استفاده از تک‌واژه‌های پیشوندی، پسوندی، ترکیب پیشوند و پسوند و وندواره‌ها و یا ترکیب بن یا ریشه‌ها شود.

زبان‌های تخصصی مختلف معمولاً از بین تک‌واژه‌های موجود در زبان برخی از آن‌ها را - که بیشتر در رفع نیازهایشان در نام بردن پدیده‌ها و مفاهیم کاربرد دارند - انتخاب و در ساخت اصطلاحات بیشتر استفاده می‌کنند. به بیان دیگر، می‌توان گفت زبان‌های تخصصی دارای قابلیت انتخابی تک‌واژه‌ها هستند. در اصطلاحات پزشکی زبان انگلیسی (شاخه قلب و عروق) بیشتر از پیشوندهای *cardio-*, *bi-*, *anti-* استفاده می‌شود، در حالی که در اصطلاحات حوزه نانو تکنولوژی انگلیسی بیشتر پیشوندهای *de-*, *ambi-*, *ad-* (Жержова, 2016: 20) استفاده می‌شوند.

۲) روش نحوی اصطلاح‌سازی: ساخت گروه‌های نحوی با در کنار هم قرار دادن دو یا چند کلمه به صورت اسم و اسم، اسم و صفت و غیره. برای مثال، می‌توان به اصطلاح تخصصی «تعمیر اساسی» (*капитальный ремонт*) (ترکیب اسم+صفت)، یا اصطلاح «تشخیص عیب» (*диагностирование неисправности*) (ترکیب اسم + اسم) اشاره کرد.

۳) روش معنایی: ماهیت این روش شامل تبدیل کلمات عمومی به اصطلاح از طریق دادن مفهوم تخصصی به آن‌ها در متون خاص است (Сложеникина, 2016: 39). در علم اصطلاح‌شناسی روسی گاهی از کلمه اصطلاح‌شدگی^{۱۸} نیز برای اشاره به این روش استفاده می‌شود. تغییر معنایی کلمه پایه در فرایند تبدیل شدن به اصطلاح می‌تواند با استفاده از ابزاری همچون استعاره، مجاز، تحدید و گسترش معنایی انجام پذیرد.

در استعاره نام یک جسم یا پدیده خاص به شیء یا پدیده دیگری بر اساس شباهت آن‌ها منتقل می‌شود. برای نمونه، می‌توان به استفاده از واژه *КРЫЛО* که در زبان روسی برای گفتن به «بال پرندگان» استفاده می‌شود، برای نام بردن مفهوم «بال هواپیما» اشاره کرد (Прохорова, 1996: 42). بر این اساس مبنای استعاره می‌تواند انواع مختلف شباهت از نظر شکل، کارکرد، ساختار و ... باشد. استعاره یکی از راه‌های ساخت اصطلاحات است که در دسته‌بندی فرهنگستان به‌طور مجزا به آن پرداخته نشده است.

مجاز یکی دیگر از روش‌های تغییر در ساختار معنایی کلمه‌ای است که تبدیل به اصطلاح شده است. مجاز عبارت است از فرایند توسعه مفهوم معنایی بر اساس مجاورت معنای قبلی واحد واژگانی و معنای جدید. برای مثال، کلمه روسی *разрез* که در معنای اصلی به معنای «برش» (ذکر عمل) است، با روش معنایی مجاز از آن مفهوم «برش» (نتیجه عمل) نیز می‌تواند برداشت شود (Prokhorova, 1996: 70).

در تحدید معنایی^{۱۹}، کلمه عمومی در یک زیرمجموعه واژگانی و با محدود شدن ظرفیت معنایی آن به عنوان اصطلاح استفاده می‌شود (Сложеникина, 2016: 39). این پدیده به‌طور کلی سبب کاهش دامنه معنایی مفهوم و محدودیت حوزه کاربرد واژه می‌شود. مانند واژه *meat* که در انگلیسی قدیم به معنای «غذا» (Food) بوده؛ ولی در زبان انگلیسی معاصر به «یک نوع غذا که از ماهیچه گاو و... تهیه می‌شود»، اشاره می‌کند (سیدی، ۱۳۹۴: ۳۲).

گسترش معنایی سبب افزایش دامنه معنایی مفهوم و گسترش ظرفیت معنایی واژه می‌شود. گسترش معنایی اصطلاحات معمولاً نسبت به تحدید معنایی کم کاربردتر است. برای مثال، *ЭКОЛОГИЯ* (اکولوژی) با مفهوم اصلی «بخشی از زیست‌شناسی که به مطالعه ارتباط متقابل حیوانات و گیاهان با محیط اطراف (محیط‌زیست حیوانات، گیاهان) می‌پردازد» که امروزه به حوزه اجتماعی، فرهنگی، اخلاق گسترش یافته است: «محیط اطراف انسان؛ طبیعت به‌عنوان حوزه فعالیت وی» (Крысин, 2003: 741).

۴) **وام‌گیری** یکی دیگر از روش‌های اصطلاح‌سازی است. لیچیک وام‌گیری را به‌عنوان مجموعه‌ای از روش‌های ساخت اصطلاحات که در آن واحدهای واژگانی از یک زبان تخصصی به زبان تخصصی دیگری منتقل می‌شوند، تعریف می‌کند. وی دو نوع وام‌گیری بین زبانی (وام‌گیری اصطلاح خارجی) و وام‌گیری فرارشته‌ای (ورود اصطلاح یک مجموعه واژگانی به مجموعه واژگانی دیگر) را از هم متمایز می‌کند (Лейчик, 2000: 31 - 32). برای مثال، اصطلاح *депозит* در روسی که با وام‌گیری بین زبانی از زبان انگلیسی و از واژه *deposit* گرفته شده است (Филатова, 2017: 59). از جمله موارد وام‌گیری فرارشته‌ای نیز می‌توان به اصطلاح *индекс* (ایندکس) اشاره کرد که از مجموعه اصطلاحات اقتصاد به مجموعه اصطلاحات مستندسازی منتقل شده است (Григорян, 2009: 36).

ابزاری که در جریان وام‌گیری بین‌زبانی استفاده می‌شود را می‌توان به سه دسته آوانگاری

(روش آوایی)^{۲۰}، نویسه‌گردانی (حرف‌نویسی)^{۲۱} و گرده‌برداری تقسیم کرد.

آوانگاری نوعی از وام‌گیری واحدهای واژگانی است که در آن فرم صوتی حفظ می‌شود (گاهی اوقات تغییرات جزئی با توجه به ویژگی‌های آوایی زبان که در آن کلمه قرض گرفته شده نیز روی واژه اعمال می‌شود). برای مثال، کلمه‌های روسی *трейлер футбол* به ترتیب از کلمه‌های انگلیسی *trailer football* گرفته شده‌اند.

نویسه‌گردانی یکی دیگر از روش‌های وام‌گیری است که در آن نوشتار کلمه خارجی قرض گرفته شده است. برای مثال، در زبان روسی واژگان *клуб мотель круиз* به ترتیب از واژگان انگلیسی *motel cruise club* و گرفته شده‌اند. اسامی خاص از جمله *Texas (Texas)*، *Лондон (London)* نیز به همین روش به زبان روسی منتقل شده‌اند.

گرده‌برداری یکی از انواع وام‌گیری است که در آن صورت ترکیبی اصطلاحات زبان بیگانه تجزیه می‌شود و به ازای هر یک از کلمات آن، واژه‌ای قرار داده می‌شود. برای مثال، برای معادل‌یابی کلمه انگلیسی «*lifecycle*» در زبان روسی ابتدا معادل *life* (یعنی *жизнь*) و سپس معادل *cycle* (یعنی *цикл*) قرار داده می‌شود و معادل نهایی «*жизненный цикл*» (چرخه عمر) به دست می‌آید.

۵) **اختصارسازی** از روش‌های ساخت اصطلاح است که در آن، حروف اول کلمات مورد نظر به هم چسبیده و لغتی تازه ساخته می‌شود. برای مثال، اصطلاحات *ЛА (летательный аппарат)* (ال.آ.: هواگرد) یا *УР (управляемая ракета)* (و.آ.ر.: موشک هدایت‌شونده). در این روش از ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی که ذکر می‌شود اشاره کرد:

۱) **اختصارات سرواژه‌ای** که خود به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) اختصار الفبایی: از نام حروف الفبا برای ساخت اختصار استفاده می‌شود. برای مثال، واژه *БЛА* که از ابتدای هر یک از کلمات تشکیل‌دهنده عبارت *Беспилотный Летательный Аппарат* (هواگرد بی‌سرنشین) تشکیل شده است؛ ب) اختصار آوایی که در آن آواهای تشکیل‌دهنده کلمه به صورت یک واژه ادا می‌شوند. برای مثال، واژه *вз* که از ابتدای هر یک از کلمات تشکیل‌دهنده عبارت *высшее учебное заведение* (مؤسسه آموزش عالی) گرفته شده است؛ ج) اختصار متشکل از صداهای اولیه و حروف (الفبایی - آوایی): برای مثال، واژه *ИДСА* که از

ابتدای هر یک از کلمات تشکیل‌دهنده عبارت *Центральный Дом Советской Армии* (مجلس مرکزی ارتش شوروی) گرفته شده است و به صورت ترکیب الفبایی - آوایی [цэ-дэ-са] خوانده می‌شود؛ ۲) اختصاراتی که از ترکیب بخش‌های اول کلمه ساخته می‌شوند (اختصار هجایی): برای مثال، کلمه روسی *колхоз* از عبارت *коллективное хозяйство* (مزرعه اشتراکی)؛ ۳) اختصارات ترکیبی (ترکیبی از اختصار اولیه و هجایی): متشکل از صداهای اولیه و همچنین، بخش‌های اولیه کلمات. برای مثال، *ГУЛАГ* از *Главное управление исправительно-трудовых лагерей* (گولاگ: اداره کل اردوگاه‌های کار و اصلاح)؛ ۴) اختصارات ساخته‌شده از ترکیب بخش اول کلمات و کل کلمه: برای مثال *запчасти* از عبارت *запасные части* (لوازم یدکی)؛ ۵) اختصار از ترکیب بخش اول کلمه با شکل صرف‌شده اسم: برای مثال، *завкафедрой* از عبارت *заведующий кафедрой* (مدیر گروه) و ۶) اختصار از ترکیب اول کلمه اول با شروع و انتهای کلمه دوم: برای مثال، *бионика* (بیونیک) از دو کلمه *био(логия)* و *тех(ника)* گرفته شده است (Ярцева, 1990: 9).

۶. نتیجه

بر اساس مطالب ارائه‌شده طی مقاله پیشنهاد می‌شود، روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان فارسی را به پنج دسته تقسیم کرد: روش صرفی، روش نحوی، روش معنایی، وام‌گیری و اختصارسازی.

روش صرفی که در آن اصطلاحات با اضافه کردن پیشوند یا پسوند یا ترکیب بن‌ها ساخته می‌شوند. این روش خود به زیرمجموعه‌هایی همچون وندافزایی و ترکیب تقسیم می‌شود و ابزار مورد استفاده در آن می‌تواند شامل انواع تکواژها از جمله پیشوند، پسوند، پیشوند-پسوند، بن فعل و غیره باشد. برای نمونه می‌توان به پیشوند «باز» در واژه‌های *بازجوش‌آور* (شیمی) و *بازچرخش* (محیط‌زیست)، و در حوزه شیمی به پسوند «گان» در اصطلاحاتی مانند *اندامگان* (organism) و *سازگان* (system)، پسوند (-یدن) در کلماتی همچون *یونیندن*، *تطبییدن*، *اکسیدین* و غیره اشاره کرد (علوی، ۱۳۹۱: ۴۱).

روش نحوی با برقراری رابطه نحوی برای اتصال چند کلمه در قالب یک اصطلاح همراه

است. ابزار مورد استفاده در این روش شامل ترکیب‌های اسمی (اسم و اسم یا اسم و صفت) و ترکیب‌های فعلی است، برای مثال، «لایه مرزی» و غیره.

روش معنایی که عمدتاً بر بهره‌گیری از کاربرد کلمات عمومی زبان در معنای غیرمستقیم متمرکز است و در آن از ابزارهایی چون **استعاره**، **مجاز**، **تحدید** و **گسترش معنایی** استفاده می‌شود.

برای مثال، از موارد استفاده از **استعاره** برای ساخت اصطلاحات در زبان فارسی می‌توان به نوعی از موتورهای هشت سیلندر به نام engine-X اشاره کرد که به دلیل آنکه نحوه قرار گرفتن سیلندرها (شبیبه به حرف X) «ضربدری» نامیده می‌شوند و خودروهای بدون صندوق عقب که به دلیل شباهت عقب خودرو به حرف H، هاچ‌بک نامیده می‌شوند (میر زنده‌دل: ۱۳۷۶). ابزار دیگر روش معنایی، **مجاز**، یعنی توسعه مفهوم معنایی بر اساس مجاورت است. این مجاورت می‌تواند از الگوهای مختلفی پیروی کند: الگوی «مجاورت عمل و نتیجه عمل»، مثلاً کلمه «برش» که در معنای اصلی بر عمل بریدن دلالت دارد، می‌تواند به معنای «محل برش‌خورده» یا «نحوه بریده شدن» نیز به کار برود یا الگوی «مجاورت عمل و ابزار»، مانند کلمه «مقاومت» که بر عمل دلالت دارد و برای نامیدن قطعه الکترونیکی که کار مقاومت را انجام می‌دهد، نیز استفاده می‌شود.

تحدید معنایی یکی از ابزار اصطلاح‌سازی است که با محدود کردن بار معنایی کلمه آن را تبدیل به اصطلاح می‌کند. برای مثال، واژه «فشار» که به‌طور کلی در مفهوم «نیرو بر واحد سطح» تعریف می‌شود؛ ولی در حوزه تخصصی پزشکی فشار در مفهوم «فشار خون» استفاده می‌شود.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد **گسترش معنایی** به‌عنوان یکی از ابزار روش معنایی با گسترش حیطة معنایی کلمه همراه است. این ابزار به‌خصوص در ساخت اصطلاحات بسیار کم کاربرد است. برای مثال، می‌توان به مفهوم راه رفتن اشاره کرد که در فرهنگ دهخدا به‌عنوان گام‌به‌گام روی زمین پیمودن تعریف شده است. آن‌طور که از این تعریف بر می‌آید، در تعریف فعل راه رفتن دو مولفه معنایی «روی زمین بودن» و «گام‌به‌گام پیمودن» اهمیت دارند. بنابراین، استفاده از این کلمه برای ذکر جابه‌جایی روی سطح کرات دیگر مانند ماه، با توجه متفاوت شدن نوع حرکت و سطح حرکت با گسترش معنایی این کلمه همراه است.

وام‌گیری به معنای استفاده از ابزار لغوی یک زبان (یا یک زبان تخصصی) دیگر برای بیان مفهوم است؛ از جمله موارد **وام‌گیری بین‌زبانی** می‌توان به اصطلاح «دپی» به معنای انبار کالا در پروژه‌های عمرانی اشاره کرد که از واژه Dépôt در زبان فرانسه گرفته شده است. برای **وام‌گیری فرارشته‌ای** در زبان فارسی می‌توان به اصطلاح «حافظه» اشاره کرد که در علم شناخت ناظر بر «توانایی مغز انسان» است و در حوزه رایانه، ناظر بر «توانایی نگهداری موقت اطلاعات در رایانه است»، یا اصطلاح «ویروس» در علم پزشکی، ناظر بر «عاملی مفسری که سبب بیماری می‌شود» و در حوزه رایانه، ناظر است بر «عاملی قابل انتقال که سبب خرابی رایانه می‌شود» (پرویزی، ۱۳۸۴).

آوانگاری (روش آوایی)، نویسه‌گردانی (حرف‌نویسی) و گرده‌برداری که از ابزار وام‌گیری بین‌زبانی هستند، در ساخت اصطلاحات فارسی استفاده شده‌اند. برای نمونه **آوانگاری** در زبان فارسی می‌توان به کلمه انگلیسی [internet] اشاره کرد که با همان الگویی آوایی وارد زبان فارسی شده است؛

- در زبان فارسی اصطلاح «تمپرینگ» از واژگان انگلیسی Tempering با ابزار **نویسه‌گردانی** قرض گرفته شده است؛

- اصطلاحاتی همچون «چرخه عمر» (life cycle)، موشک «هوا به هوا» (air to air rocket)، ساختار واژ - واجی (morpho-phonemic structure) نمونه‌هایی از **گرده‌برداری** در زبان فارسی هستند (حسینی، ۱۳۹۳: ۵۷).

اختصارسازی یکی از روش‌های ساخت اصطلاح است که رفته‌رفته در زبان فارسی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند؛ از جمله زیرمجموعه‌های این روش می‌توان به مواردی که ذکر می‌شود اشاره کرد: اختصار الفبایی: واژه **ب.م.م.** «بزرگ‌ترین مقسوم علیه مشترک» و **پ ت ت** «پست و تلگراف و تلفن»؛ اختصار آوایی: واژه **پهپاد** «پرنده هدایت‌پذیر از دور»، **نزاچا** «نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی» و **شایک** «شماره استاندارد بین‌المللی کتاب»؛ اختصار هجایی: **فوتسال** (فوتبال سالنی)؛ اختصارات ترکیبی (ترکیبی از اختصار اولیه و هجایی): واژه **برجام** «برنامه جامع اقدام مشترک»، **هوانیروز** (هواپیمایی نیروی زمینی) و اختصارات ساخته‌شده از ترکیب بخش اول کلمات و کل کلمه و **جنگال** (جنگ الکترونیکی).

دسته‌بندی‌های ارائه‌شده در زبان‌های فارسی و روسی برای روش‌های ساخت اصطلاحات

از این نظر با یکدیگر تفاوت دارند که در زبان فارسی نوع فعالیت انجام‌شده برای ساخت اصطلاحات به‌عنوان معیار دسته‌بندی قرار گرفته است. در صورتی که در زبان روسی ماهیت زبان‌شناختی آن در اولویت توجه است. البته، این روش‌ها تفاوت ماهیتی چندانی با یکدیگر ندارند؛ اما وجود دسته‌بندی مرجع، از جمله الزامات انجام پژوهش‌های تطبیقی است که به‌نظر می‌رسد دسته‌بندی ارائه‌شده در این مقاله می‌تواند این نقش را ایفا کند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Antoine-Laurent Lavoisier
2. Claude Louis Berthollet
3. Carl Linnaeus
4. Eugen Wüster
5. Dmitry Semenovitch Lotte
6. Semantic Triangle Ogden and Richards
7. Терминообразование (term-formation)
8. Vladimir Moiseevich Leychik
9. Valeria Petrovna Danilenko
10. Sergey V. Grinev Grinevich
11. word formation
12. wording
13. Victor Andreevich Tatarinov
14. Semantic broadening
15. Конверсия (Conversion)
16. Усечение (apocope)
17. Эллипсис (Ellipsis)
18. terminologization
19. Semantic narrowing
20. транскрипция (transcription)
21. транслитерация (transliteration)

۸. منابع

- اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات (۱۳۸۸). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- پرویزی، نسرين (۱۳۸۴). «شاخص‌های معناشناختی واژه‌های فرهنگستان زبان و ادب

- فارسی». *دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. به کوشش علی کافی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۲۹۳ - ۳۱۰.
- حسینی معصوم، سید محمد و همکاران (۱۳۹۳). «طبقه‌بندی تغییرات ساخت‌واژی در فرایند وام‌گیری واژه‌ها از زبان ترکی به فارسی». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه*. س ۱.
 - سامعی، حسین (۱۳۷۶). «الگوهای واژه‌سازی در زبان فارسی. تهران». *نامه فرهنگستان*. ش ۱۱. صص ۱۷۵ - ۱۸۳.
 - سمائی، فرشید (۱۳۸۳). «مکاتب اصطلاح‌شناسی و گرایش‌های فرهنگستان سوم». *دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی*. صص ۸۹ - ۱۰۷.
 - سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۹). *ترکیب و اشتقاق دو راه اصلی واژه‌سازی*. تهران: دانش.
 - سیدی، سید حسین (۱۳۹۴). «تغییر معنایی در واژگان قرآن. بررسی رابطه بینامتنی قرآن با شعر جاهلی». *پژوهش‌های قرآنی*. د ۲۰. ص ۷۴.
 - شبیری، معصومه و نصرت حجازی (۱۳۹۷). «سیر تطور در نظریه‌های اصطلاح‌شناسی: از تحول واژگانی در نظریه عمومی تا دگرذیسی واحدهای اصطلاح‌شناختی قالب‌بنیان». *جستارهای زبانی*. ج ۹. ش ۶. صص ۹۳ - ۱۲۱.
 - صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۱). *شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر*. تهران: دانش.
 - علوی، سیدمسعود (۱۳۹۱). «پرورش گونه علمی زبان فارسی، مطالعه‌ای بر اساس واژه‌ها و اصطلاحات رشته‌های شیمی و مهندسی شیمی: مسیر طی شده و راه پیش رو». *زبان و زبان‌شناسی*. د ۸. ش ۱۶. صص ۳۵ - ۵۵.
 - فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۰). *لغت‌سازی و وضع و ترجمه اصطلاحات علمی و فنی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
 - قنات‌آبادی، مهدیه (۱۳۹۱). «واژه‌گزینی یا واژه‌سازی؟». *دانشگاه علامه طباطبائی*. ش ۲۸۱. صص ۵۸۲ - ۵۹۲.
 - کافی، علی (۱۳۷۴). *مبانی علمی واژه‌سازی و واژه‌گزینی*. تهران: نامه فرهنگستان.
 - مجد، امید (۱۳۸۴). *شیوه‌های لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی در رشته‌های علمی*. تهران.

- محمدی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۷). «نگاهی به فرایند واژه‌گزینی اصطلاحات پایه‌ای راداری زبان روسی به زبان فارسی». *جستارهای زبانی*. ج ۹. ش ۱. صص ۲۸۳ - ۳۰۴.
- میرزنده‌دل، احمد (۱۳۷۶). *فرهنگ مهندسی مکانیک*. تهران: امیرکبیر.
- میرزایی حصاریان، محمداقبر و همکاران (۱۳۹۵). «سطح‌بندی متون پزشکی فارسی برای غیرفارسی‌زبانان: انگاره‌ای بر پایه‌ی دستور نظام‌مند- نقش‌گرای هلیدی». *آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان*. س ۵. ش ۲.
- وثوقی، حسین (۱۳۸۳). *واژه‌شناسی و فرهنگ‌نگاری در زبان فارسی*. تهران: باز.
- Григорян, А.А. (2009). *Способы образования терминов группы «документоведение» // Вестник РУДН, серия Русский и иностранные языки и методика их преподавания, № 4. С. 38-38.*
- Гринев-Гриневич, С.В. (2008). *Терминоведение*. – М.: издательский центр академия. 304 с.
- Даниленко, В.П. (1977). *Русская терминология: Опыт лингвистического описания*. – М.: Наука. 246 с.
- Жержова, А.Ю. (2016). *Контекстуальный перевод адъективной терминологии в области кардиологии*. Выпускная работа. Тюмень.
- Крысин, Л.П. (2003). *Толковый словарь иноязычных слов*. М.
- Лейчик, В.М. (2000). *Предмет, метод и структура терминоведения*. М: наука. 256 с
- *Лингвистический энциклопедический словарь*, глав. ред. В.Н. Ярцева (1990) М. 508 с.
- Лотте, Д.С. (1931) *Очередные задачи научно-технической терминологии*. – М.: Наука. 158 с.
- Прохорова, В.Н. (1996). *Русская терминология: Лексико-семантическое образование*. – М.: Изд-во Моск. ун-та. 125 с.
- Сложеникина, Ю.В. (2016). *Основы терминологии. Лингвистические*

аспекты теории термина. – М.: Книжный дом Либроком. 120 с.

- Татаринов, В.А. (1996). *Теория терминоведения. Теория термина: история и современное состояние*. – М.: Моск. Лицей. 311 с.
- Филатова Н.И., Янполова А.А. (2017). *Функции терминологии в PR-текстах* // Сборник трудов конференции. Изд.: Пятигорск. С. 58-63.
- Хакимова, Г.Г. (2012) *Развитие терминологии как отдельной дисциплины и ее статус в современном языкознании* // Вестник Башкирского университета. Т. 17. No 2. – С. 950-954.
- Шукурова, Т.Ф. (2014). *Структурно-семантический анализ терминологии генетики в английском, немецком и русском языках* // Автореферат диссертации на соискание ученой степени кандидата филологических наук. Душанбе.

References:

- Academy of Persian Language and Literature (2009). *Principles and Criteria of Terms Selection*. Tehran. [In Persian].
- Alavi, S.M. (2012). “Development of scientific register of Persian, a study based on the terminology of chemistry and chemical engineering: past and future of corpus planning policies. Tehran: *Journal of Language and Linguistics* .[In Persian].
- Danilenko, V.P. (1977). *Russian Terminology: Experiencing Linguistic Description*. Moscow: Nauka. [In Russian].
- Farshidvard, kh. (2001). *Word Formation and Translation of Scientific and Technical Terminology*. Tehran: Research Center for Islamic Art and Culture. [In Persian].
- Filatov N.I., Yanpolova A.A. (2017). *Terminology Functions in PR texts*. Pyatigorsk .[In Russian].
- Ghannat Abadi, M. (2013). “Wording or word formation? Tehran: *Proceedings of*

Allameh Tabatabaei University .[In Persian].

- Grigoryan, A.A. (2009). *Methods of Formation of the Terms of the "Documentation" Group*. Moscow: Bulletin of RUDN. [In Russian].
- Grinev-Grinevich, S.V. (2008). *Terminology*. Moscow: Publishing Center Academy. [In Russian].
- Hosseini, M.; Amini, H.A.; Nemati, M.A. (2014). *Classification of structural changes in the process of borrowing words from Turkish to Persian*. Kermanshah: Department of Literature and Humanities College of Razi University of Kermanshah. [In Persian].
- Kafi, A. (1996). *Scientific Fundamentals of Word Formation and Wordage*. Tehran: Letter of the Academy. [In Persian].
- Khakimova, G.G. (2012) *Development of Terminology as a Separate Discipline and its Status in Modern Linguistics // Bulletin of the Bashkir University* .[In Russian].
- Krysin, L.P. (2003). *Explanatory Dictionary of Foreign Words*. Moscow .[In Russian].
- Leychik, V.M. (2000). *The Subject, Method and Structure of Terminology*. Moscow: Nauka [In Russian].
- Lotte, D.S. (1931) *Immediate Tasks of Scientific and Technical Terminology*. Moscow: Nauka .[In Russian].
- Majd, O. (2006). *Types of Word Formation Processes and Coinage in the Field of Science*. Tehran .[In Persian].
- Mir Zendedel, A. (1997). *Dictionary of Mechanical Engineering*. Tehran: Amirkabir .[In Persian].
- Mirzayi Hesariyan, M.B.; Aghagolzadeh, F.; Kord Zafaranlu Kambuziya; A; Golfam, A. (2016). *Medical Text Classification For non-Persian Language: Insights from Halliday's Systemic –Function Grammar*. Year5. N. 2.[In Persian].
- Mohammadi, M; Baharloo, H; Haghzare, D. (2018). "Investigating basic radar

terms in Russian and their equivalents in Persian language” . *Language Related Research*. Vol 9.N. 1. Pp.283-304 .[In Persian].

- Parvizi, N. (2005). “Semantic indicators of the words of academy of Persian language and literature”. *2nd Proceeding of Word Formation and Terminology* Tehran: Academy of Persian Language and Literature . Pp.293-310 [In Persian].
- Prokhorova, V.N. (1996). *Russian Terminology: Lexical-semantic Education*. Moscow: Publishing House of Moscow University .[In Russian].
- Sadegi, A.A. (1992). *Ways of Word Formation in Modern Persian*. Tehran: Danesh. [In Persian].
- Samaei, F. (2004). *Schools of Terminology and Trends of the Third Academy*. Tehran .Pp. 89-107[In Persian].
- Same’i, H. (1997). “Templates of word formation in Persian”. *Letter of the Academy*: Tehran. N.11. Pp. 175-183 [In Persian].
- Samiei Gilani, A. (2000). *The Combination and Derivation of the Two Main Ways of Word-formation*. Tehran: Danesh. [In Persian].
- Sayyidi, S.H. (2015). “Semantic change of Arabic words in the Quran. investigating the intertextual relationship of the Qur’an with poetry. Tehran: *Quranic Research Quarterly* P.74.[In Persian].
- Shiri, M. & N. Hejazi, (2018), *Investigating the evolution of terminological theories: From lexical turns in GTT to metamorphosis of frame-based terminological units*. *Language Related Research* . Vol.9.N.6. Pp. 93-121. [In Persian].
- Shukurova, T.F. (2014). *Structural and Semantic Analysis of the Terminology of Genetics in English, German and Russian languages*. Dushanbe. [In Russian].
- Slozhenkina, Yu.V. (2016). *Basics of Terminology. Linguistic Aspects of the Theory of the Term*. Moscow: Librokom Book House. [In Russian].
- Tatarinov, V.A. (1996). *Theory of Terminology. Theory of the Term: History and Current State*. Moscow: Mosk. Lyceum. [In Russian].

- Vosoughi, H. (2004). *Terminology and Lexicography in Farsi*. Tehran: Baz .[In Persian].
- Yartseva, V.N. (1990). *Linguistic- Encyclopedic Dictionary*. [In Russian].
- Zherzhova, A.Yu. (2016). *Contextual Translation of Adjective Terminology in the Field of Cardiology*. Tyumen. [In Russian].

Main term-formation methods of the Persian language in the mirror of Russian language

Sonia sadat Mahmoodian¹, Hadi Baharloo^{2*} Abtin Golkar³,
Mireyla Ahmadi⁴

1. Phd Candidate, Tarbiat modares university, Tehran, Iran
2. Assiatant Professor, Tarbiat modares university, Tehran, Iran.
3. Assiatant Professor, Tarbiat modares university, Tehran, Iran.
4. Associate Professor, Tarbiat modares university, Tehran, Iran

Received: 28/01/2019

Accepted: 1/07/2019

The present paper seeks to analyze the main term-formation methods in Persian and Russian Languages Special languages and their linguistics specification (morphological, syntactic, word formation and etc.) are one of the most research subjects in modern terminology. Recently , among these linguistics specifications, researches on term formation are becoming necessary due to their main role in terminology systematization.

On the other hand, with the increase of inter-linguistic interactions in the specialized fields, the comparative aspects of the aforementioned researches have made a major contribution to the research in this field. It is evident that for such research, a general reference system of the classification of tools and methods of word formation is necessary.

This paper aims to present a common system for different types of term formation in Persian and Russian languages. This paper answer to this question: to what extent term-making tools and methods are overlapping in these two languages, and could reach into a comprehensive classification of both Persian and Russian languages?

To This end, The authors first studied all present kind of term-formation methods and tools in both Persian and Russian languages. The result showed, in the first section, the relative affinities term-formation methods and tools for the Russian and Persian languages. Next, according to classification cited in Russian sources and focusing on the linguistic nature of the new term-formation method, the term – formation methods were classified into five general categories of morphological, syntactic, semantic, borrowing, and

* Corresponding Author's E-mail: baharloo@modares.ac.ir

abbreviations making.

Morphological method focuses on morpheme (generally affixes) for new word; syntactic method leads to phrase-formation as a term; in semantic method usually, words of general language are transformed to terms using metonymic or metaphoric tools; in borrowing, words incorporated into one language from other languages and in abbreviations making – as a word formation method, words divided to a unit such as phoneme.

Keywords: Terminology, Word formation, Term-formation, Persian language, Russian language.